



وصال شیرازکے

شاعر نابینا اہلبیت علیہ السلام



وصال شیرازی

شاعر نابینا اهل بیت (ع)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شناسنامه

وصال شیرازی، شاعر نابینا اهلیت (ع)

به کوشش: قدرت الله عفتی

ناظر علمی: محمد نوری

امور فنی: حسن احمدی

تاریخ: زمستان ۱۳۹۰

ناشر: دفتر فرهنگ معلولین

قم، خیابان صفائییه، کوچه ۳۷، کوچه ۳، پلاک ۲۶

تلفن: ۷۷۳۸۰۱۹ دورنگار: ۷۷۳۴۸۰۴-۲۵۱

www.HandicapCenter.com

info@HandicapCenter.com

هرگونه برداشت و استفاده از کتاب، تنها با ذکر مأخذ و اجازه دفتر امکان پذیر است.

فهرست

مقدمه.....	۵
فصل اول: سرگذشت.....	۷
تولد در خانه میرزا اسماعیل.....	۷
رشد اجتماعی و فرهنگی.....	۸
نابینایی.....	۱۴
تألیفات.....	۱۶
پایان عمر.....	۱۸
فصل دوم: نمونه‌هایی از اشعار.....	۱۹
معراج حضرت محمد(ص).....	۲۱
تعزیه امیرالمؤمنین(ع).....	۲۳
تعزیه حضرت فاطمه(س).....	۲۶
تعزیه امام حسن مجتبی(ع).....	۲۷
تعزیه سیدالشهداء(ع).....	۲۸
تعزیه سایر شهداء.....	۲۹
فصل سوم: دیدگاه‌ها.....	۳۳
گزارش مرحوم محمد علی مدرس.....	۳۳
گزارش مرحوم مشیر سلیمی.....	۳۷
گزارش دایرةالمعارف فارسی.....	۴۱
گزارش دایرةالمعارف زرین.....	۴۳
گزارش بیدهندی.....	۴۴
گزارش دانشنامه دانش‌گستر.....	۴۷
مأخذ.....	۴۸

۴ وصال شیرازی، شاعر نابینا اهل بیت (ع)



مقدمه

به دلیل فعال بودن جریان اطلاع‌رسانی در کشورهای پیشرفته، شخصیت‌های معلول به روش علمی معرفی می‌شوند. زندگی‌نامه و آثار آنان در دائرةالمعارف‌ها و دیگر منابع مرجع آمده است. اما نخبگان معلول در جهان اسلام به دلیل فقدان نهاد جامع اطلاع‌رسانی همواره ناشناخته باقی مانده‌اند. به دلیل مسیحی بودن کشورهای پیشرفته، ثمره اطلاع‌رسانی‌ها و معرفی نخبگان توسط آنها اینگونه است که اکثر مردم جهان تصور می‌کنند، نخبگان فقط همین افراد مسیحی هستند.

دفتر فرهنگ معلولین بر خود فرض می‌داند شخصیت‌های اصیل و نخبه‌مسلمان معلول، به ویژه شیعه را به جهانیان معرفی نماید. به همین دلیل این جلد به یکی از این چهره‌ها یعنی مرحوم وصال شیرازی می‌پردازد. امیدواریم این وظیفه به خوبی اجرا شده باشد. پیشاپیش از اشخاصی که به نقد و عرضه‌عیوب ما پردازند، تشکر می‌نماییم.

محمد نوری

فصل اول: سرگذشت

تولد در خانه میرزا اسماعیل

مورخان ادبیات ایران، میرزا شفیع شیرازی، معروف به میرزا کوچک و متخلص به «وصال» را یکی از بزرگترین شعرای عهد فتحعلی شاه و پسرش محمد شاه قاجار می‌شمارند. وصال در زمان سلطنت کریم خان زند، در سال ۱۱۹۲ یا ۱۱۹۳ (و به روایتی ۱۱۹۷ق) در خانواده‌ای محترم در شیراز دیده به جهان گشود.^۱

پدرش میرزا اسماعیل فرزند محمد شفیع بن میرزا اسماعیل شیرازی در «خط» استادی بزرگ بود، وی در دیوان حکومتی کار می‌کرد در زمان کریم خان زند مدتی به آذربایجان رفت، و در آنجا ازدواج نمود، خداوند به آنها دختری عنایت نمود.

میرزا اسماعیل از آذربایجان به شیراز بازگشت و با دختر میرزا عبدالرحیم شاعر شیروانی ازدواج نمود، خداوند به آنها پسری عنایت نمود که نامش را شفیع گذاشتند. پس از فوت پدر، سرپرستی این پسر را، پدر بزرگ مادریش یعنی عبدالرحیم بر عهده گرفت. بعد از دو سال عبدالرحیم فوت نمود. و سرپرستی وصال را دائی‌اش

۱. ریحانه‌الادب، ج ششم، ص ۳۲۱؛ دانشوران روشندان، ص ۱۱۹.

۸ وصال شیرازی، شاعر نابینا اهل بیت (ع)

میرزا عبدالله که استاد خط بود و از راه نوشتن قرآن امرار معاش می‌کرد، بر عهده گرفت.^۱

رشد اجتماعی و فرهنگی

میرزا محمد شفیع در دوران کودکی شروع به تحصیل نمود و علوم متداول زمان خود را نزد استادان آن عصر، از جمله میرزا ابوالقاسم سکوت، از عرفای نامی آن دوران، فراگرفت. نوشتن انواع خط را آموخت و در سایه استعداد ادبی و خط خوب و آواز خوش به محافل انس راه یافت و نخستین اشعار خود را با تخلص «مهجور» تنظیم کرد. وصال شیرازی علاوه بر تحصیل، به خاطر ذوق و شوق فطری که به عرفان داشت در مجالس سیر و سلوک عارفان شرکت می‌کرد و به تهذیب نفس و آموختن آداب سیر سلوک عرفانی مشغول شد تا جایی که به کمالات بالای معنوی رسید؛ با دوری از رذائل نفسانی و دست یافتن به مکارم اخلاق، زبانزد خاص و عام شده بود. ایشان در ادبیات، حکمت الهی، فنون ریاضی مخصوصاً در موسیقی، عالمی بزرگ بود و صدای عالی داشت؛ در حدی که علمای بزرگ، وی را جامع علوم می‌دانستند.

۱. سخنوران نابینا یا کوران روشن بین (شاعران کور)، ص ۲۰۰.

رشد اجتماعی و فرهنگی ۹

مجالس ایشان محل تجمع بزرگان بود، و با شرکت در این مجالس کسب فیض و تجربه اندوزی می نمودند. علاوه بر این علوم ظاهری و باطنی، در خط‌های هفت‌گانه نسخ، نستعلیق، ثلث، رقاع، ریحانی، تعلیق و شکسته، مهارت داشت.

کتاب‌های زیادی به خط او به دست ما رسیده است. از جمله مثنوی معنوی در چند جلد، دیوان خاقانی، دیوان انواری، دیوان خواجه حافظ شیرازی و کلیات سعدی را به خط نستعلیق نوشته است.

ایشان ۶۷ جلد قرآن و هفتصد دعا را با خط زیبا نوشته است. بعضی از قرآن‌ها را در صفحه بزرگ شروع کردند، در این قرآن‌ها، سه سطر اول، وسط و آخر را با خط ثلث درشت نوشته و میانه آنها را با قلم ریزتری با خط نسخ پر، سر سوره‌ها را با خط رقاع، خواص سوره‌ها را با خط شکسته در حاشیه همان سوره آورده و ترجمه آیات را با مرکب سرخ، با خط نستعلیق خفی در زیر سطرها نوشته است.

در آخر هر قرآن شماره قرآن‌هایی که تا آن زمان نوشته بود را آورده و در بعضی از آنها خود را «کاتب الهی»

۱۰ وصال شیرازی، شاعر نابینا اهل بیت (ع)

وصف کرده است.^۱ در پایان یکی از قرآن‌هایی که به پایان رساند برای خودش چنین نوشت:^۲

«حرره العبد الاقل الفقير المحتاج الى رحمة ربه الغني الداعي لظهور الحجة القائمة والدولة القاهرة محمد شفيح ابن المرحوم محمد اسمعيل ابن المبرور محمد شفيح المتخلص بالوصال في شهر الله الاصح سنة ۱۲۵۹ من الهجرة النبوية».

یکی از همشاگردی‌های وصال شیرازی می‌گوید، روزی در ایام جوانی، استادمان از وصال شیرازی معنای این شعر حافظ شیرازی را پرسید:

بلبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت

وندر آن برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت

وصال در آن روز و شب در فکر جواب استاد بود، تا اینکه در همان شب این شعر را در جواب استادش سرود و فردای آن روز تقدیم استادش نمود.^۳

صاحباً در ساعتی کاین سینه غم بسیار داشت

یادم آمد از کلامی کانجناب اظهار داشت

در خصوص شعر حافظ آنکه پرسیدی ز من

۱. ریحانة الادب، ج ۶، ص ۳۲۱ و ۳۲۲.

۲. دیوان وصال شیرازی، مصحح محمد عباسی، ص ۹.

۳. ریحانة الادب، ج ۶، ص ۳۲۳.

رشد اجتماعی و فرهنگی ۱۱

بلبلی برگ گلی خوشرنگ در منقار داشت
نصف شب غواص گردیدم ببحر ابجدی
تا بینم این صدف آیا چه اندر بار داشت
بلبلی برگ گلی شد سیصد و پنجاه و شش
با علی و با حسین و با حسن معیار داشت
برگ گل سبزیست دارد آن نشانی از حسن
چونکه در هنگام رفتن سبز در منقار داشت
گل بود سرخی که آن دارد نشانی از حسین
چونکه در وقت شهادت عارض گلنار داشت
بلبلی باشد علی کاز فرقت آن برگ و گل
روز و شب در هجر آن سان ناله‌های زار داشت
در حقیقت شعر حافظ خوب سنجیدی وصال
تا بینم کی در این معنی توان انکار داشت
مرحوم وصال شاعر بزرگی بود که شعرهای نغز
می‌سرود، ایشان را در قصیده سرائی، انوری ثانی و در
غزل، سعدی ثانی می‌خوانند، شاعران آن عصر مانند قآنی
و هدایت، ایشان را به طبع سرشارش به سرودن شعر
عالی تصدیق کردند، ایشان از جوانی طبع شعر قوی‌ای
داشته است. مخصوصاً در مرثیه‌سرائی در آن عصر
بی‌مانند بود.

۱۲ وصال شیرازی، شاعر نابینا اهل بیت (ع)

وصال در اوائل به «مهجور» تخلص می‌کرد، ولی با اشاره استاد عرفانش «میرزای سکوت» تخلصش را به وصال تغییر داد، این دو بیت یادگار آن دورانی است که به مهجور تخلص می‌کرد.

دوای درد مهجوری صبوری است

دریغ این چاره اندر دست کس نیست

میندیش از رقیب ار یار یار است

رفیق شحنه را باک از عسس نیست

او مردی مهربان و خوش محضر و درویش بود. در میان اهل عرفان و ادب دوستان زیادی داشت. به خصوص با قآنی دوستی صمیمی داشت. زمانی که قآنی به شیراز می‌رفت غالباً با هم بودند. اما با اینکه سلاطین و فرمانروایان فراوان او را به دربار دعوت می‌کردند، ولی وی کمتر این گونه مجالس می‌رفت. و از راه کتابت قرآن مجید نیاز مادی خود را مرتفع می‌ساخت.

زمانی که فتحعلی‌شاه قاجار برای بازدید استان فارس به شیراز رفت، مکارم و فضایل وصال را شنید. ایشان را به حضور طلبید. وصال قرآنی را که با هفت نوع خط نوشته و در تذهیب و تجلید آن هنرمندی بسیار به کار برده بود، به شاه تقدیم کرد و قصیده‌ای در آن مجلس خواند.

رشد اجتماعی و فرهنگی ۱۳

شاه درباره کمالات وصال بسیار گفت و دو هزار تومان به او اهداء نمود. نیز سالیانه مبلغی نقد و مقداری جنس برای مستمری وی تعیین کرد.

چون فتحعلی‌شاه، محمدشاه، شجاع السلطنه، فرمانفرما و چند تن از بزرگان فارس را مدح گفت، به قول خود او، دیوانش انباشته از مدح بزرگان است؛ از اینرو او را در زمره شاعران مداح دانسته‌اند. با این همه، وی همانند سید محمد سحاب، از بیهودگی شاعران درباری رنج می‌برد و هرگز حاضر نشد برای امرار معاش، سلاطین و بزرگان را مدح کند. وی با کتابت قرآن کریم و استادی در خط امرار معاش می‌کرد، با فقر و تنگدستی، در کمال قناعت می‌ساخت. ایشان همواره به فرزندان خود می‌گفت: با اینکه شعر، صنعتی نیکو است ولی شاعری حرفه‌ای زشت است زیرا شعر دریایی از دانش و فنی از حکمت است ولی شاعری نوعی گدایی است؛ منظورش شاعری برای دربار و دریافت صله بود.

روزگار خود را نه در کنار درباریان بلکه با شرکت در محافل عرفانی و ادبی سپری می‌نمود. و به دلیل مردم دوستی دو روز هر هفته را صرف تدریس به عموم می‌کرد.

۱۴ وصال شیرازی، شاعر نابینا اهل بیت (ع)

ایشان شش پسر داشت که اهل علم و ادب بودند و به نامها وقار، حکیم، داوری، فرهنگ، توحید و یزدانی معروف شده‌اند.^۱

نابینایی

وصال شیرازی در سن شصت و چهار سالگی به آب مروارید چشم مبتلا شد و یکسال نابینا بود. پس از آن طبیعی که از کرمانشاه به شیراز رفته بود، چشمش را میل زد و چشمانش معالجه شد.

وصال چنان به مطالعه عشق داشت که بعد از معالجه چشم فوراً مطالعه را از سر گرفت و همین امر باعث شد مجدداً نابینا گردد. معالجه‌های پس از آن، اثری نداشت.

در این دوران که احتیاجات زندگی و عدم توان کار و فقدان درآمد لازم برای زندگی، بر هر فردی فشار زیادی وارد می‌کند، ایشان با این فقر، با قناعت و مطانت طبع می‌ساخت. هرگز به دربار نرفت و شاعر درباری نشد، با وجودی که درباریان ایشان را می‌خواستند ولی ایشان امتناع می‌ورزید. وی درباره بی‌نیازی، فقر، قناعت، آزادی و آزادگی خویش چنین گوید:

۱. دانشوران روشنفکر، ص ۱۱۹.

نابینایی ۱۵

چه دردست دردت که درمان ندارد؟!
چه راهست عشقت که پایان ندارد؟
چه دردسر از بهر درمان کشیدن
سری را بنازم که سامان ندارد
چه در پیش دو نان پی نان فرستادن
خوش آن کآب دارد و نان ندارد
به رغم نابینایی و مشکلات زندگی، دانش و شعر خود را
ارزان نفروخت چون به نظر او درویشی، قناعت و صبر
مقدمهٔ عزت، بزرگ منشی، حیات و دولت ابدی است.
خاکسارانی که ره در عالم جان یافتند
راست پرسی سلطنت آنست کایشان یافتند
فقر بگزیدند تا از فقرشان دولت دمید
درد پذیرفتند تا از درد درمان یافتند
در پناه بینوایی گنج عزت دیده‌اند
در میان خاکساری آب حیوان یافتند
وصال با واقع‌بینی، به پریشانی، بدبختی و عقب ماندگی
جامعه ایران اشاره کرده و با کمال شجاعت مشاهدات
خویش را در مورد اوضاع جامعه بیان کرده است:
ایران کنون بجان تو ویرانست!
مردی مخواه سکنهٔ ویران را!

۱۶ وصال شیرازی، شاعر نابینا اهل بیت (ع)

یا درباره اختلاف‌های طبقاتی جامعه و چندگانگی فرهنگی
می‌گوید:

قومی بگشت باغ گل اندر کنارها!

قومی دریده جامه و در دست خارها!

شهری همه مکر و دغل و حرص و دروغند

من صدق و صفا، مهر و وفا، شغل و کارم!

تألیفات

از وصال شیرازی ده عنوان کتاب به یادگار مانده است:

۱. بزم وصال؛ مجموعه اشعار در سبک مثنوی و شامل
هفت هزار بیت است.

۲. تتمه خسرو و شیرین؛ کتاب خسرو و شیرین اثر
وحشی بافقی، به دلیل مرگ زودهنگام موفق به اتمام
نشده بود و وصال به روش بافقی به تکمیل ابیات
پرداخت و کتاب را به پایان رساند. داوری رضا قلی خان
هدایت درباره اشعار او چنین است که سروده‌های او بر
اشعار وحشی بافقی ترجیح دارد.

۳. ترجمه اطواق الذهب از زمخشری

تألیفات ۱۷

۴. دیوان اشعار که در حدود سی هزار بیت است. دو هزار بیت آن در مرثیه آل عبا(ع) است که در تهران چاپ شد.^۱
۵. سفینه بنیان؛ شامل چهل حدیث قدسی در قالب مثنوی‌های جداگانه است. به این صورت که حدیثی را عنوان کرده است، سپس معنی حدیث، تحقیقی درباره آن و داستانی مناسب آن حدیث آورده است؛
۶. صبح وصال؛ مجموعه‌ای از اخلاقیات به سبک گلستان است.^۲
۷. نسخه برداری کلیات سعدی، به خط نستعلیق، به تاریخ ۱۲۴۷؛ در کتابخانه مجلس شورا موجود است.
۸. نسخه برداری کتاب اوصاف الاشراف از خواجه نصیر طوسی به خط نستعلیق، به تاریخ ۱۲۳۹. در کتابخانه مجلس شورا موجود است.
۹. یک نسخه از ادعیه به قلم نسخ و نستعلیق کتابت خطی خوش، در کتابخانه کاخ گلستان در تهران موجود است.^۳

۱. ریحانة الادب، ج ۶، ص ۳۲۳.

۲. دانشوران روشنگر، ص ۱۲۰.

۳. دائرة المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۲۴۱.

۱۸ وصال شیرازی، شاعر نابینا اهل بیت (ع)

۱۰. ۶۷ جلد قرآن؛ ارزشمندتر از همه اینها، ۶۷ جلد قرآن با خط بسیار زیبا نوشته است.^۱ این اثر ارزشمندترین کار ایشان شمرده شده است.

پایان عمر

وصال به دلیل اخلاق نیکو و داشتن فضل و کمال و عزت نفس برای کسب درآمد خود را نفروخت و همواره در گوشه تزلزل، با قناعت و از راه دستمزد کتابت امرار معاش کرد. از کسی توقع نداشت از اینرو بین مردم جذابیت و مقبولیت یافته بود.

مردم از شهرهای دور و نزدیک برای استفاده از کلمات و سخنان او و نیز بهره‌گرفتن از تجارب هنری او با هدایایی به حضورش می‌رسیدند.

ایشان در دوران نابینایی همین مسیر را ادامه داد تا اینکه در سال هزار و دویست و شصت و دوم قمری در شیراز فوت نمود و در بقعه شاه‌چراغ مدفون گردید.^۲

۱. دانشوران روشنگر، ص ۱۱۹؛ ریحانه‌الادب، ج ۶، ص ۳۲۲.

۲. ریحانه‌الادب، ص ۳۲۲.

فصل دوم: نمونه‌هایی از اشعار

وصال در عین تقلید از پیشینیان در فنون شعر استاد بود. وی صفات اصلی بهترین نمونه‌های شعر کلاسیک را حفظ کرده است. او مثنوی بزم وصال را در بحر تقارب ساخت و داستان شیرین و فرهاد وحشی بافقی را، که ناتمام بود، به قدری خوب و استادانه به پایان رساند که هر منتقد دقیق، در تشخیص و بیان تفاوت آغاز و انجام داستان، دچار اشکال می‌شود، نمونه آن ابیات ذیل است.

الهی سینه ده آتش افروز

در آن سینه دلی و آندل همه سوز

هرآندل را که سوزی نیست دل نیست

دل افسرده غیر از آب و گل نیست

کرامت کن درون درد پرورد

دلی در وی درون درد و برون درد

بسوزی ده کلامم را روایی

کزان گرمی کند آتش گدائی

دلم را شعله گردان سینه پر دود

زبانم کن بگفتن آتش آلود

دلم را داغ عشقی بر جبین نه

زبانم را بیان آتشین ده

سخن کز سوز دل تابی ندارد

۲۰ وصال شیرازی، شاعر نابینا اهل بیت (ع)

چکد گر آب ازو آبی ندارد
دل افسرده دارم سخت بینور
چراغی زو بغایت روشنی دور
بده گرمی دل افسرده‌ام را
فروزان کن چراغ مرده‌ام را
ندارد راه فکرم روشنایی
ز لطف پرتوی خواهم گدایی
اگر لطف تو نبود پرتو انداز
کجا فکر و کجا گنجینه راز
ز گنج راز در هر کنج سینه
نهاده خازن تو صد دفینه
ولی لطف تو گر نبود بصد رنج
پشیزی کس نیاید زان همه گنج
چو در هر گنج صد گنجینه داری
نمی‌خواهم که نومیدم گذاری
براه این امید پیچ در پیچ

مرا لطف تو میباید دگر هیچ^۱
شاهکارهای ادبی وصال شیرازی به‌طور کلی در مدح
حضرت رسول اکرم (ص) و آل علی (ع) و خاندان عترت

۱. شعر کامل را در دیوان وصال شیرازی، ص ۴۱۷-۴۲۱ ببینید.

معراج حضرت محمد(ص) ۲۱

و نبوت است، او هنرمندی بزرگوار و توانا بود که هنرش را وقف عالی‌ترین عواطف بشری، یعنی عشق حسینی کرده است.

شاعران و بزرگانی مانند محتشم و هاتف آثاری از خود در مدح اهل بیت به جا گذاشتند ولی نسبت به وصال شیرازی خیلی کم در این عرصه پهناور طبع آزمایی کرده‌اند، در صورتیکه وصال توانست یک دیوان بدیع و بسیار دلنشینی مشتمل به مرائی و منقبت آل علی(ع) پدید آورد. بعلاوه در دیوان کبیر وصال قصائد بسیار عالی در ستایش و منقبت حضرت رسول اکرم(ص)، و حضرت علی بن ابی‌طالب(ع) و خاندان عترت و نبوت موجود است که همه آنها در اوج فصاحت و در نهایت قدرت سروده شده است، و اهل فضل و ادب از خواندن آنها لذت بسیار می‌برند، و عاشقان حسین تسلای قلب پیدا می‌کنند.

معراج حضرت محمد(ص)

در گذشته هر کدام از پیروان اهل سنت و شیعیان تصور و دیدگاهی درباره معراج داشتند و در دوره جدید، نگاه جدیدی پیدا شد و به تأویل یا تحلیل سمبولیک معراج می‌پردازد. وصال دیدگاه شیعی را در قالب ابیات به نظم کشید. برخی از این ابیات را می‌آوریم:

۲۲ وصال شیرازی، شاعر نابینا اهل بیت(ع)

شبی روشتر از سرچشمه نور
رخ شب در نقاب روز مستور
دمیده صبح دولت آسمان را
ز خواب انگیخته بخت جوانرا
بشک از روز مرغان شب آهنگ
خزیده شب پره در فرجه تنگ
میان روز و شب فرق اینقدر بود
که هر سیاره خورشید دگر بود
شد از تحت الثری تا اوج افلاک
همه ره چون دلی از تیرگی پاک
همه روشندان آسمانی
روان سوی سرای ام هانی
از آن دولت سرا تا عرش اعظم
ملایک بافته پر در پر هم
زمانه چار دیوار عناصر
حلی بر بسته ز انواع نوادر
ز گوهرها که بوده آسمانرا
پر از در کرده راه کهکشانرا
رهی آراسته از عرش تا فرش
براقی جسته بر فرش از در عرش

تعزیه امیرالمؤمنین(ع) ۲۳

براقی گرمی برق از تکش وام
ز فرشش تا فراز عرش یک گام
ندیده نقش پا نقش کمانش
نسوده دست هم کس عنانش
بمغرب نعلش ار خوردی بنخاره
بر آنروی زمین جستی شراره
از آنروی زمین بیزخم مهمیز
بر آنسوی زمان جستی بیک خیز
چه اوصاف تک و پویش کنم ساز
سخن در گوش تازد بیش از آواز
بهر جا آمده در عرصه پوئی
زمین و آسمان طی بود گوئی
بزیر پا درش هنگام رفتار
نمیگردید مور خفته بیدار^۱

تعزیه امیرالمؤمنین(ع)

وصال شیرازی در مدح امیر المؤمنین(ع) هشت بند شعر
که در مجموع ۶۷ بیت است سروده است. دو بند آن را
در زیر آورده‌ایم:

۱. برای دیدن کل شعر به دیوان وصال شیرازی، ص ۴۲۴-۴۲۶ مراجعه فرمایید.

۲۴ وصال شیرازی، شاعر نابینا اهل بیت(ع)

ای چرخ این زمان نه ستمکار بوده
تا بوده ستمگر غدار بوده
کارت کنون بدی بنکویان نبوده است
ای کج روش همیشه در این کار بوده
تا کرده اعانت اشرار کرده
تا بوده معاند اختیار بوده
الحق که سرخی شفق و تیرگی شب
گوید که تو سیه دل و خونخوار بوده
هر ناسزا شد از تو سزای سرور و سور
ای ناسزا بطعن سزاوار بوده
خوبان همیشه از تو مذلت کشیده‌اند
چبود سبب که بی سبب آزار بوده
الا بکام مومن مخلص نریختی
ای طشت زهر تا تو نگونسار بوده
جز تیر کینه نیست گهی در کمان ترا
وانهم نبوده جز دل پاکان نشان ترا

رفت از جهان امام جهان بولحسن دریغ
در کوفه بیکسند حسین حسن دریغ
اهل عراق یکسره غدر و همه نفاق
یارانشان بمصر و حجاز و یمن دریغ

تعزیه امیرالمؤمنین(ع) ۲۵

بی آفتاب جمله جان شد سیه فسوس
بی شمع تیره ماند همه انجمن دریغ
مسجد فسرده دین تبه اسلام بی پناه
بی مه سپهر مانده و بی گل چمن دریغ
نگذاشت در چمن اثر ز مهریر هم
شاداب ارغوان و گل یاسمن دریغ
چون گل بهر که بینی از این خاندان بخلد
گلگون عمامه رفته و خونین کفن دریغ
زان یوسفان حسن که یعقوبشان رسول
بیزخم گرگ نیست یکی پیرهن دریغ
گر گل دهد گلی که جوانان مصطفی است
روی زمین تمام گلستان مصطفی است^۱

۱. برای دیدن کل شعر به دیوان وصال شیرازی، ص ۸۹۱-۸۹۴ مراجعه فرمایید.

تعزیه حضرت فاطمه(س)

وصال برای حضرت فاطمه(س) هشت بند شعر در ۶۵
بیت سروده است. یک بند از آن را در زیر آورده‌ایم:
ای چرخ تا کی این همه ظلم و ستم کنی
دل‌های محترم همه پا بست غم کنی
هر جا که مقبلی است نصیص بلا دهی
هر جا مدبریست قرین نعم کنی
بهر لثام را همه کام و نوا دهی
قسم کرام را همه رنج و نقم کنی
مسعود را برانی و خوار جهان کنی
مردود را بخوانی و صدر امم کنی
آنجا که واجب است کرامت کنی عقاب
و آنجا که لازم است عقوبت کرم کنی
دونان ز تو براحت و خوبان ز تو برنج
سنجیده‌ام تخلف از این شیوه کم کنی
یکدختر از رسول گرامی بجای ماند
کی جای داشت کاین همه بروی ستم کنی
آن مادر دو سید و چرخ دو آفتاب
آن طاق در نکوئی و آن جفت بو تراب^۱

۱. برای دیدن کل شعر به دیوان وصال شیرازی، ص ۸۹۴-۸۹۷ مراجعه فرمایید.

تعزیه حضرت فاطمه(س) ۲۷

تعزیه امام حسن مجتبی(ع)

وصال در مدح امام حسن مجتبی(ع) نه بند شعر در ۷۲
بیت سروده است. یک بند آن را در زیر آورده‌ایم:
در تاب رفت و طشت طلب کرد و ناله کرد
وان طشت راز خون جگر دشت لاله کرد
خونی که خورد در همه عمر از گلو بریخت
خود را تهی ز خون دل چند ساله کرد
نبود عجب که خون جگر ریخت در قدح
عمریش روزگار همین در پیاله کرد
خون خوردن و عداوت خلق و جفای دهر
یعنی امامتش ببرادر حواله کرد
نتوان نوشت قصه درد دلش تمام
ور می توان ز غصه هزاران رساله کرد
زینب کشید معجر و آه از جگر کشید
کلثوم زد بسینه و از درد ناله کرد
هر خواهری که بود روان کرد سیل خون
هر دختری که بود پریشان کلاله کرد
آه دل از مدینه ز هفت آسمان گذشت
آن روز شد عیان که رسول از جهان گذشت^۱

۱. برای دیدن کل شعر به دیوان وصال شیرازی، ص ۸۹۸-۹۰۱ مراجعه فرمایید.

تعزیه سیدالشهداء (ع)

وصال شیرازی همانند مرحوم کمپانی برای امام حسین (ع) اشعاری سروده است. این اشعار در ۸۲ صفحه گردآوری شده است. ۹ بیت آن را در زیر آورده‌ایم:

این جامه سیاه فلک در عزای کیست
وین جیب چاک گشته صبح از برای کیست
این جوی خون که از مژه خلق جاریست
تا در مصیبت که در ماجرای کیست
این آه شعله‌ور که ز دلها رود بیچرخ
ز اندوه دل گداز و غم جانگزای کیست
خونی که نه دامن دلها گرفته است
این سخت دل بدامن ما خونهای کیست
گر نیست حشر و در غم خویش است هر کسی
در آفرینش این همه غوغا برای کیست
شد خلق مختلف ز چه در نوحه متفق
زینگونه جن و انس و ملک در عزای کیست
هندو و گبر و مؤمن و ترسا بیک غمند
این جان از جهان شده تا آشنای کیست
ذرات از طریق صدا نوحه می‌کنند
تا این صدا ز ناله‌انده فنای کیست

تعزیه سایر شهداء ۲۹

آری خداست در دل و صاحب عزا خداست
زان هر دلی بتعزیه شاه کربلاست^۱

تعزیه سایر شهداء

وصال برای شهدای کربلا یک شعر بلند ۷۷ بیتی سروده
است، چند بیت آن در زیر آمده است:

ای هواخواهان جانباز حسین

همدم و همراه و همراز حسین

ای ز جان بگذشتگان کربلا

ای بخون آغشتگان کربلا

ای نکرده در وفا از جان دریغ

جان سپر کرده به پیش تیر و تیغ

یاری آل پیمبر کردگان

ترک جاه و دولت سرکردگان

خاک گشته در ره صدق و صفا

خاکتان از بهر رنجوری شفا

مرحبا جانهای پاک و جسم پاک

جسمتان بر خاک و جانتان بر سماک

ای همه در گوشتان بانگ الست

وز بلی در کربلای عشق هست

۱. برای دیدن کل شعر به دیوان وصال شیرازی، ص ۹۰۱-۹۷۱ مراجعه فرمایید.

۳۰ وصال شیرازی، شاعر نابینا اهل بیت (ع)

ای فدائی‌های فرزند بتول
ای فدا تانرا خدا کرده قبول
کرده از جان یاری زهرا همه
داده جان واسوده از غوغا همه
اندران صحرا که تنها بُد حسین
یاری او دیده بر خود فرض عین
پاس آن گل کرده از آسیب خار
وز سنان و تیر سر تا پا فکار
کرده تنها گلبن از زخم سنان
گلستان مصطفی را پاسبان
مرحبا پروانگان سوخته
بهر آن شمعی که حق افروخته
چون بدید آنجا که جانها بُد کباب
ز آتش دلها و تاب آفتاب
چون بدید آنجا که غیر از آب تیغ
داشتندی بر سپاه حق دریغ
دست تو شوید کند کفش تو جفت
عشوه آری کاین همه خدمت بمفت
اوستاند مزد خدمتها تمام
کرده تو با تو ماند والسلام

تعزیه سایر شهداء ۳۱

هان حسین از خویشتن رنجه مکن
روبها با شیر حق رنجه مکن
از یزیدت کبر و نخوت بر مزید
باز میگوی که لعنت بر یزید
خویش را فارغ ز لعن و طعن کن
بر یزید آنگاه طعن و لعن کن
از وصال ار چه ملال افزایش
زین سخنها بس کمال افزایش^۱

۱. برای دیدن کل شعر به دیوان وصال شیرازی، ص ۹۷۱-۹۷۴ مراجعه فرماید.

فصل سوم: دیدگاه‌ها

وصال از دورهٔ حضورش در مدرسه و تدریس یا به هنگام سفر مورد توجه گزارش‌گران بوده است. نخستین بار زندگی‌نامه او در کتاب *سخنوران نابینا یا کوران روشن* بین منتشر شد. پس از آن منابع متعدد به آن پرداختند. چند گزارش را که در تعدادی اثر مرجع درج شده و دیگران از آنها اخذ کرده‌اند، بدون کم و کاست می‌آوریم:

گزارش مرحوم محمد علی مدرس^۱

میرزا محمد شفیع شیرازی، معروف به میرزا کوچک بن محمد اسماعیل بن محمد شفیع بن میرزا اسماعیل از اکابر شعرا و نامداران ادبا و عرفای گرامی عهد فتحعلی شاه قاجار و محمد شاه قاجار می‌باشد.

وی در کودکی نزد علمای عصر به تحصیل علوم متداوله پرداخت، در عین حال به اقتضای شوق فطری که به فقر و درویشی و مصاحبت اهل سیر و سلوک و ارباب ذوق و عرفان داشته به تهذیب باطن و تحصیل آداب سلوک و اهل طریقت نیز پرداخت تا با کمالات صوری و معنوی آراسته و از ردائل نفسانیه پیراسته شد، و در مکارم اخلاق یگانه و شهرهٔ آفاق گردید.

۱. *ریحانهٔ الادب*، ص ۳۲۱-۳۲۳.

۳۴ وصال شیرازی، شاعر نابینا اهل بیت (ع)

ایشان در ادبیات و حکمت الهی و فنون ریاضی خصوصاً موسیقی نیز مهارت خوبی داشت، وی به حُسن صوت و صورت معروف بود، جامعیت او به همهٔ علما ظاهر شده بود، مجالس او مجمع ارباب کمال و اصحاب ذوق و حال بود که صحبت او را معتنم می‌شمرده‌اند.

علاوه بر مراتب علمیّه ظاهری و باطنی، در تمامی خطوط هفت‌گانهٔ نسخ، نستعلیق، ثلث، رقاع، ریحانی، تعلیق و شکسته مهارتی عالی داشت و هریکی از آنها را مثل اساتید معروف تاریخی آنها می‌نوشت.

وی کتاب‌های زیادی را با خطوط عالی مختلف نوشته است مانند چند جلدی از *مثنوی مولوی*، *دیوان خاقانی*، *دیوان انوری*، *دیوان خواجه حافظ و کلیات سعدی* را به خط نستعلیق نوشته است.

به نوشتهٔ گلشن وصال، ایشان شصت و هفت جلد قرآن و هفتصد دعا را به پایان رسانده است، وی بعضی از قرآن‌ها را در صفحهٔ بزرگ شروع نمود که و سه سطر در اول، وسط و آخر صفحه با خط ثلث درشت نوشته و میانهٔ آنها را با قلم ریزه‌تری با خط نسخ پر، سرسوره‌ها را با خط رقاع، خواص سوره‌ها را در حاشیه با خط شکسته، ترجمهٔ آیات را با مرکب سرخ با قلم نستعلیق خفی، در

گزارش مرحوم محمد علی مدرس ۳۵

زیر سطرها نوشته و در آخر هر قرآنی عدد قرآنهائی را که تا آن زمان نوشته بوده قید کرده و در آخر بعضی از آنها خود را به «کاتب الهی» موصوف نموده است. سه جلد از قرآن‌های او در کتابخانه مصر دیده شده است. خلاصه ایشان در تمامی خطوط مذکوره استاد بوده است. اشعار وصال نغز، طرفه و آبدار است، وی در غزل، سعدی ثانی؛ در قصیده انوری تالی است. او در ابتدای جوانی طبعی سرشار داشت، قوت طبع او مورد تصدیق قآنی و هدایت و دیگر معاصرینش بود، خصوصاً در مرثیه سرایی یگانه وقت محسوب می‌شد. وی نخست به مهجور تخلص می‌نمود ولی بعداً بر حسب الارشاد پیر طریقتش «میرزای سکوت» به وصال تغییر داد.

گزارش مرحوم مشیر سلیمی^۱

وصال شیرازی به سال ۱۱۹۷ق تولد یافت. پدرش میرزا اسماعیل در فن استیفا بی‌مانند و در خط رقوم و سیاق هنرمندی ارجمند بود. در اوایل حال ترک خدمت سلطان و اعمال دیوان گفت. روزگاری در زمان محمد کریمخان زند زندگی می‌کرد و مدتی به آذربایجان رفت. در آنجا ازدواج نمود. از او دختری یافت و این دختر را بازرگانی به همسری گرفت.

میرزا اسماعیل از تبریز به شیراز بازگشت. با دختر میرزا عبدالرحیم، شاعر شیروانی ازدواج نمود و از این پیوند زناشوئی وصال پای به این جهان گذاشت.

چندی نگذشت که میرزا اسماعیل بدرود زندگانی گفت و میرزا عبدالرحیم، وصال را که دختر زاده‌اش بود تکفل کرد. وی پس از دو سال درگذشت.

میرزا عبدالله «دائی» وصال که خطی بالنسبه خوب داشت و زندگی‌اش از راه نوشتن قرآن فراهم می‌گشت کفالت وصال را بر عهده گرفت.

وصال چون به سن تمیز رسید طبعش به درویشی و فقر مایل گردید. درک حضور عارف ربانی میرزا سید ابوالقاسم

۱. سخنوران نابینا یا کوران روشن بین (شاعران کور)، ص ۲۰۰-۲۰۲.

۳۸ وصال شیرازی، شاعر نابینا اهل بیت (ع)

مشهور به «سکوت»، ایشان را از بزرگان شیراز، و مستعد گردانید که علمای آن زمان از ایشان بهره می بردند. وصال دارای همتی بلند و طبعی ارجمند بود. ایشان به شعر و شاعری پرداخت، هرچند به ظاهر مدح و ثنائی از پادشاهان و بزرگان می گفت، علت این امر محض آزمایش طبع بوده است، وی از راه کتابت قرآن مجید درآمدی داشت و قناعت و گوشه گیری را بهترین نعمت و نیکو ترین دولت می دانست.

وی به فرزندان خود نصیحت می کرد: شعر نیکوترین صنعت و شاعری زشت ترین حرفه است. گرچه شعر بحری از دانش و فنی از حکمت می باشد ولی در واقع نوعی گدایی است منتهی شاعران به نظم سؤال کنند و گدایان به نثر دریوزه گی کنند.

ایشان هرگز شعر هجا و هزل نمی گفت مگر دو سه قطعه به طریق تفنّن که آنها را در دیوان خود نیآورده است و از غایت شهرت در زبانها افتاده است. وی در آموختن فنون شعر و انواع کمالات و امر تعلیم فروگزاری نداشت. سختی و آسایش روزگار، نیکی و فراوانی معاش در نزد او یکسان بود.

گزارش مرحوم مشیر سلیمی ۳۹

وصال چون به سن ۶۴ سالگی رسید، آبی در چشمش پیدا گردید که نابینا شد و در آن حال صابر و شاکر بود، مرد چشم پزشکی از کرمانشاهان به شیراز آمد. چشمش را میل زد. هنوز چشمش بهبود نیافته بود که به کار خواندن و نوشتن مشغول شد، پس از چند روز چشم رنجور به حال اول برگشت و دیگر شفا نیافت. بیت زیر شاید در این باره باشد که خود او می گوید:

دیده بی نور شد از اشک شب و روز که گفت

هستی از آب نبود مردم دریایی را

وصال شیرازی در ماه رجب ۱۲۶۲ق بدرود زندگانی گفت و در آرامگاه سید میر احمد فرزند امام موسی کاظم(ع)، مشهور به شاه چراغ در جوار مزار پیر بزرگوار میرزا ابوالقاسم سکوت به خاک سپرده شد.

از او شش فرزند هنرمند بوجود آمد که شرح حال و آثار آنان در «تذکره سده چهاردهم» تألیف دیگر مؤلف این کتاب «سخنوران نابینا» آمده که است.

از وصال نزدیک به سی هزار بیت به یادگار مانده است که مشتمل بر چکامه‌ها و چامه‌ها مراثی، ترجیعات و مثنویات است، غزلیات او در جواب غزلیات خواجه

۴۰ وصال شیرازی، شاعر نابینا اهل بیت (ع)

حافظ یا آنچه به طرز شیخ اجل سعدی و یا پراکنده گفته است و در سه دفتر جداگانه گرد آورده شده است. مرثیاتی وی در رثاء حضرت سیدالشهدا در حدود دو هزار بیت است. و دیوان او را نواده‌اش شادروان «روحانی وصال» به چاپ رسانید.

آثار و تألیفات دیگر وصال عبارتند از: کتاب *فرهاد* و *شیرین مولانا وحشی بافقی*؛ کتاب *بزم وصال* بروش شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی؛ *سغینه بنیان* شامل مثنویات مرکب از چهل حدیث قدسی به نحوی که حدیثی را عنوان کرده معنی حدیث و تحقیق آن مطلب و داستانی مناسب آن مقام را آورده است.

گزارش دایرةالمعارف فارسی^۱

میرزا محمد شفیع معروف به میرزای کوچک، متخلص به وصال (۱۱۹۷-۱۲۶۲ق)، شاعر ایرانی عصر فتحعلی شاه قاجار، غزلسرا و مثنوی گوی بود.

مثنوی شیرین و فرهادِ وحشی بافقی را که ناتمام مانده بود، ادامه داد.

وی علاوه بر ادبیات، در موسیقی نیز دست داشت، و به تصوف و عرفان هم شیفته بود. گذشته از دیوان، ۱۲ بند در مرثی سرود، وقار شیرازی پسر او بود.

۱. دایرةالمعارف فارسی، ج ۳، ص ۳۱۷۱.

گزارش دایرةالمعارف زرین^۱

میرزا شفیع شیرازی متخلص به وصال از غزل سرایان معروف دوره قاجاریه است. وی در ساختن مثنوی مهارت داشت.

وصال علاوه بر اینکه شاعر خوش ذوق بود از خوشنویسان عصر خود به شما می‌رفت، وی در سال ۱۱۹۳ ق متولد و در سال ۱۲۶۲ درگذشت.

۱. دایرةالمعارف مصور زرین، ص ۳۳۵.

گزارش بیدهندی^۱

میرزا محمد شفیع متولد ۱۱۹۳ق متوفای ۱۲۶۲ق، فرزند میرزا اسماعیل، مشهور به میرزا کوچک است.

وی از بهترین شاعران و خوشنویسان دوره فتحعلی شاه و پسرش، محمد شاه قاجار، به شمار می‌رفت، ایشان توانست ۶۷ جلد قران را با خط زیبای خود بنویسد.

وصال شیرازی، در دوره جوانی مدتی سرگرم تحصیل ادبیات، خط، هنرهای زیبا و سیر در مقالات عرفانی بود. وقار، حکیم، داوری، فرهنگ، توحید و یزدانی، از فرزندان وصال شیرازی بوده‌اند و همگی از هنرمندان و شاعران زمان خویش به شمار می‌رفتند.^۲

از این شاعر گرانمایه که در سن ۶۴ سالگی نابینا شده، نزدیک به سی هزار بیت شعر به یادگار مانده است. وی در ابتدا، «مهجور» و سپس «وصال» تخلص می‌کرد. سایر آثارش عبارت است از:

۱. فرهاد و شیرین مولانا وحشی بافقی را به اتمام رساند.

۲. مثنوی بزم وصال (هفت هزار بیت است)

۳. سفینه بنیان (شامل چهل حدیث قدسی در قالب مثنوی‌های جداگانه است. به این صورت که حدیثی را

۱. دانشوران روشندل، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

گزارش مرحوم مشیر سلیمی ۴۵

عنوان کرده است، سپس معنی حدیث را آورده، و بعد تحقیقی درباره آن و داستانی مناسب آن حدیث ذکر کرده است.

۴. ترجمه اطواق الذهب، از زمخشری

۵. صبح وصال (به سبک گلستان نوشته است).

گزارش دانشنامه دانش‌گستر^۱

محمد شفیع شیرازی (۱۱۹۷-۱۲۶۲ق)، معروف به میرزا کوچک متخلص به وصال، شاعر و خوشنویس ایرانی، صدایی خوش داشت. تار می‌نواخت و در نقاشی و تذهیب و صرافیه مهارت داشت. در مدح فتحعلی‌شاه، محمدشاه و حسین علی میرزا، فرمانروای فارس نیز اشعاری دارد. با حاکم قآنی نشست و برخاست داشته است. از مهمترین شعرای دوره بازگشت است و در سرودن غزل از شیوه سعدی و حافظ پیروی می‌کند. مرثیه سرای زبردستی بود و در اواخر عمر نابینا شد. از آثارش صبح وصال در تقلید از گلستان سعدی؛ دیوان اشعار (تهران ۱۳۶۴ش)؛ مثنوی بزم وصال در هفت هزار بیت؛ ترجمه اطواق الذهب زمخشری از عربی به فارسی؛ شیرین و فرهاد وحشی بافقی، را که ناتمام بود، پی گرفت، اما نتوانست آن را به انجام برساند. ۶۷ جلد قرآن نوشت که گنجینه‌های هنری به شمار می‌رود. دیوان کامل وصال شیرازی به چاپ رسیده است (شیراز ۱۳۷۸ش).

۱. دانشنامه دانش‌گستر، ج ۱۷، ص ۴۸۷، ۴۸۸.

۴۸ وصال شیرازی، شاعر نابینا اهل بیت (ع)

مآخذ

۱. باقری بیدهندی، ناصر، *دانشوران روشندانل*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۲. جمعی از نویسندگان، *دانشنامه دانش‌گستر*، تهران، مؤسسه علمی و فرهنگی دانش‌گستر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۳. *دائرةالمعارف تشییع*، تهران، نشر شهید سعید محبی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۳. طباطبایی مجد، غلامرضا، *دائرةالمعارف مصور زرین*، تهران، زرین، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۴. مدرس، میرزا محمد علی، *ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة أو اللقب یا کنی و القاب*، تهران، خیام، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
۵. مشیر سلیمی، علی اکبر، *سخنوران نابینا یا کوران روشن بین (شاعران کور)*، تهران، مؤسسه مطبوعاتی فریدون علمی، چاپ اول، ۱۳۴۴.
۶. مصاحب، غلامحسین، *دائرةالمعارف فارسی*، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
۷. وصال شیرازی، دیوان وصال شیرازی، تصحیح محمد عباسی، تهران، کتابفروشی فخر رازی، بی تا.

دفتر فرهنگ معلولین مؤسسه ای غیرانتفاعی و بین المللی است که توسط حضرت حجة الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی زاهد عزه تأسیس شده است. خط مشی این مؤسسه ارتقای فرهنگ اسلامی در بین جامعه عزیز معلولان و افزایش توانایی و خلاقیت های آنان است. از اینرو با تولید آثار مذهبی به روش بریل، گویا و الکترونیک دسترسی آنان را به منابع اسلامی آسان تر می نماید.



آرامگاه روحانی وصال شیرازی در ضلع غربی آرامگاه حافظیه